

شهر قدیم بم از نگاه جغرافیدانان اسلامی و مأموران رسمی

اثر: آقای حسن کریمیان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۶۵ تا ۲۸۱)

چکیده:

یکی از روشهای بسیار سودمند در تعیین سیر تطور و میزان تغییراتی که در فرم عمومی شهرهای کهن رخ داده‌اند، بررسی کتب و منابعی است که در قرون متمادی به وسیله جغرافیدانان اسلامی و یا سیاحان و مأموران رسمی به رشته تحریر درآمده‌اند.

اهمیت ویژه اطلاعات استخراج شده از منابع مذکور در آن است که، نویسندگان آنها علاوه بر تشریح وضعیت عمومی شهرها و محدوده تقریبی گسترش آنها، نام محله‌ها، دروازه‌ها، خیابانها، بازارها، مساجد، حمام‌ها، آسیابها و سایر تأسیسات شهری را مشخص نموده و سیستم‌های آبرسانی و راههای ارتباطی شهرها را نیز مد نظر قرار داده‌اند.

در این مقاله تلاش گردیده تا با جمع‌آوری اطلاعات منابع جغرافیایی از قرون اولیه اسلامی تا دوران معاصر و تعدادی گزارش از سیاحان و مأموران رسمی - که به تشریح جغرافیای طبیعی و انسانی شهر بم پرداخته و فعالیتهای اجتماعی سکنه این شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند - زمینه‌ای مناسب در جهت درک درست روند تکامل این شهر و انجام مطالعات میدانی باستان‌شناسانه فراهم آید.

واژه‌های کلیدی: روند، شکل‌یابی، دگرگونی، گسترش، انحطاط

مقدمه:

بدون تردید بررسی کتب و سایر منابع معتبر جغرافیایی، یکی از روشهای بسیار مفید در تعیین میزان تغییراتی است که با گذشت زمان در فرم عمومی شهرهای کهن رخ می دهند. این دگرگونیها هنگامی کاملاً محسوس می گردند که باستان شناس بتواند مطالب مرتبط با موضوع تحقیق خود را با دقت هر چه بیشتر از منابع استخراج و با ترتیب تقدم و تاخر تاریخی تدوین نماید.

مطالبی که در این مبحث از نظر می گذرد، قسمتهایی از بیست و پنج کتاب جغرافیایی از قرون اولیه اسلامی تا عصر حاضر و تعدادی گزارش از سیاحان و ماموران رسمی است که در آنها به تشریح وضعیت جغرافیای طبیعی و انسانی شهر بم پرداخته شده است.

اهمیت ویژه این اطلاعات در آن است که نویسندگان آنها علاوه بر تشریح وضعیت عمومی شهر قدیم بم و محدوده تقریبی گسترش آن، نام تعدادی از محله ها، دروازه ها، خیابانها، بازارها، مساجد، حمامها، آسیابها و سایر تاسیسات شهری را مشخص نموده و همچنین به تشریح سیستم های آب رسانی و راههای ارتباطی شهر بم پرداخته اند. بعلاوه ضمن تاکید بر اهمیت تجاری این شهر در مسیر شاخه جنوب شرقی جاده ابریشم (مسیر ایران به دره سند)، نوع فعالیتهای اقتصادی سکنه آن را نیز معلوم کرده اند.

بدین ترتیب واضح است، چنانچه حاصل مشاهدات جغرافیدانان ادوار مختلف با اطلاعات منابع تاریخی در خصوص شهر مذکور درهم آمیخته شوند، به سهولت می تواند روند شکل گیری، رونق و انحطاط آن را مشخص سازد. اطلاعات بدست آمده همچنین به درک درست اوضاع اقتصادی، چگونگی معیشت مردم و در غایت چگونگی نظام اجتماعی شهر مورد مطالعه، کمک شایان توجهی خواهد نمود.

بررسی منابع:

یکی از نخستین جغرافیدانان قرون اولیه اسلامی «ابن خردادبه» نام دارد. او در کتاب مشهور خود «المسالک و الممالک» که در ۲۳۲ هجری به رشته تحریر در آمده - بم را از شهرهای آباد ولایت کرمان معرفی نموده و فاصله آن را از شهر دارزین در کرمان - که آن را دیروزین نامیده است - نه فرسخ معادل پنجاه و چهار کیلومتر معین می نماید. او همچنین در ذکر شهرهایی که در مسیر اصطخر (شهر مشهور ساسانیان در فارس) تا سرزمین سند (در پاکستان) قرار دارند، از شهر بم نام می برد. (ابن خردادبه ۱۴۰۸، ص ۵۲ و ۵۳).

یعقوبی جغرافی نویس دیگر مسلمان در ۲۷۸ هجری پس از بازدید نواحی مختلف قلمرو شرقی حکومت اسلامی از قلعه بم به عنوان یکی از قلاع مستحکم ولایت کرمان نام می برد. (یعقوبی ۱۳۴۳، ص ۶۲).

یازده سال بعد «ابن رسته اصفهانی» کتاب «الاعلاق النفسیه» را در هفت جلد در زمینه جغرافیای سرزمینهای اسلامی نوشته و در آن به توصیف وضع کوهها، دریاها و شهرهای موجود در سرزمینهای اسلامی پرداخته است. او در جلد هفتم اثر خویش نواحی مختلف سرزمین ایران را معین نموده و از بم به عنوان یکی از خوره‌های شهرهای مهم ولایت کرمان نام می برد. (ابن رسته ۱۳۶۵، ص ۱۲۲).

جغرافی دانان مشهور دیگری که همزمان (در ۲۹۱ هجری) به بررسی شهرهای قلمرو خلافت اسلامی پرداخته، ابن فقیه نام دارد. او که ایرانی (همدانی) است با آگاهی کاملتری جغرافیای این کشور را تشریح نموده و در توصیف وضعیت جغرافیایی ولایت کرمان از شهر بم به عنوان یکی از مراکز مهم تجاریات در مسیر ایران به جلگه سند نام می برد. (ابن فقیه - ۱۳۴۹، ص ۲۰).

در ۳۶۵ هجری یکی از اعضای دانشمند خاندان جیهانی - که در شمال شرق ایران به وزارت فرمانروایان سامانی اشتغال داشتند - با تالیف کتاب جغرافیایی «اشکال العالم» به تشریح موقعیت دریاها و خشکیهای جهان و چگونگی مناطق و

شهرهای مختلف کشورهای اسلامی پرداخته و آنها را به هفده اقلیم تقسیم نموده است. او ولایت کرمان را در اقلیم یازدهم قرار داده و در توصیف شهر بم می‌نویسد: «و اما بم، در آنجا درختان خرماست و روستاهای بسیار و از جیرفت خوش آب و هوا تر است و قلعه‌ای دارد در غایت محکمی و استواری. ... در شهر سه مسجد جامع است. یکی در بازار معروف به مسجد خوارج و مسجد هزاران و مسجد قلعه». (ابوالقاسم جیهانی - ۱۳۶۸، ص ۱۲۹ - ۱۳۲). او همچنین با تعیین مسیرهای ارتباطی شهرها در ناحیه کرمان، بم را نقطه ارتباط شهرهای کرمان، سیرجان، جیرفت و منطقه بلوچستان می‌داند.

همزمان با جیهانی، یکی دیگر از سیاحان و جغرافیدانان عرب به منظور مطالعه مناطق مختلف کشورهای اسلامی، شمال آفریقا تا دره سند را مورد بررسی قرار داده است. او که «ابن حوقل» نام دارد در کتاب مشهور خود «صورة الارض» - تألیف شده در ۳۶۷ هجری - یادآور می‌شود که آثار جغرافیدانان و جهانگردان قبل از خود را مطالعه کرده است. فصل پنجم کتاب فوق به ولایت کرمان اختصاص یافته است. مؤلف در توصیف شهر بم می‌نویسد: «شهر بم، نخلستانها و دیه‌های بسیار و هوایی سالم‌تر از جیرفت دارد. قلعه‌ای استوار و محکم و معروف در این شهر هست و سه مسجد جامع دارد. یکی مسجد خوارج واقع در بازار نزدیک خانه منصور بن خردین که امیر کرمان بود، دیگر مسجد اهل سنت در کوچه بزازان و سوم مسجد جامع قلعه است.»

او ضمن مقایسه بم با شهر جیرفت - که از شهرهای بزرگ ولایت کرمان بوده - می‌نویسد: «بم بزرگتر از جیرفت است و در آنجا پارچه‌های پنبه‌ای عالی و زیبا و بادوام می‌بافند که به سرزمینهای دور فرستاده می‌شود و مورد استقبال تجار قرار می‌گیرد. سربندهای بافته شده در این شهر با قیمتهای بالا در خراسان و عراق و مصر به فروش می‌رسند. پارچه‌های این شهر بسیار بادوامند و از پنج تا ده سال دوام می‌کنند و پادشاهان، آنها را در گنجینه‌های خود نگهداری می‌کنند. (ابن حوقل ۱۳۴۹،

ص ۷۲-۸۰). نقشه‌ای که او از شهرهای ولایت کرمان تهیه نموده در پایان همین بخش ملاحظه خواهید نمود.

اسطخری نیز در کتاب ارزشمند «السماک و الممالک» - تألیف شده به سال ۳۴۰ هجری - از شهر بم اینگونه یاد می‌کند:

«شهر بم درختان خرما و روستاهای فراوان دارد و در آن قلعه‌ای بسیار بزرگ و مشهور است که در مرکز شهر واقع شده. مردم بم در روز جمعه در سه مسجد نماز می‌گذارند. یکی در مسجد بازار شهر که مسجد خوارج است، دوم در محله بزازان و سوم در مسجد قلعه شهر. بم از جیرفت (شهر دیگر ولایت کرمان) بزرگتر است و...»

(استخری - ۱۳۸۱ هـ ق، ص ۱۰۱-۱۰۶)

جغرافیدان ناشناخته‌ای همزمان با سه فرد فوق‌الذکر به بررسی جغرافیای طبیعی و انسانی سرزمینهای اسلامی از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه آن پرداخته و به همین جهت نام اثر خود را «حدودالعالم من المشرق الی المغرب» گذاشته است. این مؤلف ناشناخته، در پایان کتاب خویش تاریخ اتمام آن را ۳۷۲ هجری برابر با ۹۸۲-۳ میلادی ذکر نموده و به هنگام توصیف ناحیه کرمان، از بم یاد نموده و با اشاره به کوهی که در مسیر بم به جیرفت قرار دارد، می‌نویسد: «... دیگر، کوه بارجان است و طول آن از حد جیرفت تا حد بم و اندر این کوه معدن سرب است و مس و سنگ مغناطیس و معدنهای بسیار.»

او در توصیف بم می‌نویسد: «بم شهری است با هوایی درست و اندر شهرستان وی حصاری است محکم و به دو دلیل از جیرفت مهمتر است: یکی به دلیل دیوار و قلعه عظیم آن در مقایسه با جیرفت و دیگر به دلیل پارچه کریاس برای سربند و دستار و خرمای بی‌نظیر آن.» (حدودالعالم ۱۳۴۱، ص ۲۸-۳۱)

در ۳۷۵ هجری (۹۸۶ میلادی) جغرافیدان دیگری به نام «مقدسی» با توجه به مشاهدات خود از سرزمینهای اسلامی، بی‌نظیرترین کتاب در زمینه جغرافیای طبیعی و انسانی این سرزمینها را تألیف نمود و آن را «احسن التقاسیم فی

معرفت الاقالیم» نام گذاشت.

او سرزمین کرمان را به پنج بخش تقسیم نموده که یکی از آنها بم می باشد و بم را نیز چنین توصیف می نماید: «بم قصبه ای مهم، بزرگ و خوب است. مردمان آن هنرمند، ماهر و آگاهند. پارچه هایش زبانه زد جهانیان و خود در سرزمینهای اسلامی نامبردار و فخرآور است. دژی بر آن است که چهار دروازه دارد: نماشیر، کوسکان، اسپیکان و کورجین. در میان قصبه قلعه ای است که یک مسجد جامع و چند بازار در آنجا و دیگر بازارها در بیرون آن قرار دارند. در کنار شهر کانال آبی بزرگ جاری است که از محله بزازان شهر را می شکافد و به قلعه وارد شده و از آنجا به باغها می رود. ساختمانهای این شهر با گل چسبان خوب درست شده اند. یکی از بازارهای مشهور آن بازار پل گرگان نام دارد. آب مصرفی مردم بیشتر از قناتها تهیه می شود. از بهترین حمامهای آن حمام کوچه بید است. در نزدیکی شهر تعدادی آسیاب آبی وجود دارد. به علاوه دهی بزرگ در نزدیک آن قرار دارد که بیشتر پارچه ها را در آن می بافند و... از بم عمامه، مندیل، طیلسان و پارچه های عالی که بهتر از همجنس خود است صادر می کنند».

او در توضیح مذهب ساکنان بم می نویسد: «اکثریت با شافعیان (شاخه ای از مذاهب چهارگانه اهل سنت) می باشد. در بم خارجیان (خوارج = فرزندان آنهاست) که در جنگ با علی (ع) از عراق به کرمان فرار کرده بودند، برای خود سر و صدا و جامعی (مسجد جامع) جداگانه دارند که صندوق دارایی ایشان در آنجا است.» (مقدسی - ۱۳۶۱، ص ۶۸۰-۶۹۹).

به نظر می رسد با پایان یافتن قرن چهارم هجری و همزمان با استقرار فرمانروایان سلجوقی در ایران، کار تهیه گزارشات جغرافیایی از سرزمینهای شرقی خلافت اسلامی با وقفه ای طولانی روبرو گشته.

در ۵۸۴ هجری، افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی (از دانشمندان بزرگ اهل کرمان) در کتاب «عقد العلی» به هنگام تشریح حوادث کرمان و شهر بم در

خصوص این شهر می نویسد: «... و از بلاد کرمان شهر بم است. ولایتی معمور و بسیار مرتفع و در مثل است که هیچ چشمی در زمین، بم بی ارتفاع ندیده است. از آنجا ابریشم تولید می شود و جامه های مرتفع (گران قیمت). آنجا شهری است حصین و سوری متین در میان شهر کوهی منیع و بر روی قلعه ای رفیع.» (کرمانی - افضل ۱۳۱۱، ص ۶۴-۷۱) در بخش دیگری از همین کتاب می خوانیم: «ولایت بم حکایت از بهشت می کرد. خطه ای دارای نعمتهای متعدد و فرمانروایی عادل و راه و روش مردمان آن مشخص و شهری پاک» (ایمانی، ۱۳۷۴، ۳۳۴).

به سال ۶۱۶ هجری یکی از اسرای آورده شده از روم شرقی (بیزانس) در بغداد به تاجری به نام «الحموی» فروخته شد. صاحبش نام او را یاقوت نهاد و به یاقوت الحموی شهرت یافت. او که برای ثبت اطلاعات مربوط به تجارت به همراه کاروان تجاری صاحبش به سرزمینهای مختلف اسلامی سفر نموده بود، توانست در کنار تجارت اطلاعات ارزشمندی از شهرهای مورد بازدیدش جمع آوری و آنها را در کتابی به نام «معجم البلدان» منظم سازد.

یاقوت در کتاب ارزشمند خویش، بم را اینچنین توصیف نموده است: «بم با فتح باء و تشدید میم شهر بزرگ و با شکوه از شهرهای اصلی کرمان با مردمانی ماهر و استاد است که بیشتر آنها به بافندگی اشتغال دارند. پارچه های این شهر در همه جا مشهور است. ... آب آشامیدنی آنها از قناتهای زیرزمین بدست می آید و کمی شور است. در این شهر نهری روان وجود دارد و دارای بازارهایی شلوغ است. حدفاصل بم تا جیرفت یک روز راه است.» (یاقوت الحموی ۱۹۸۸ م، ص ۴۹۵).

«ابن الاثیر» (۵۵۵-۶۳۰ هجری) مورخ و جغرافیدان عرب در بخش اول کتاب الباب که به صورت دایرةالمعارف تنظیم شده، در مقابل کلمه بم می نویسد: «بم با فتح الباء و تشدیدالمیم مدینه بکرمان منها اسماعیل بن ابراهیم وزیر سبکری صاحب فارس آیامالمقتدر وغیره.» (ابن الاثیر ۱۳۵۷، ص ۱۴۴-۱۴۵).

در دهه پایانی قرن سیزده (۶۹۶ هجری - ۱۲۹۹ م) ابواسحق ابراهیم اصطخری بنا

به درخواست یکی از فرمانروایان ایلخانی کتابی به نام «ممالک و مسالک» نوشته و آن را به جغرافیای سرزمینهای اسلامی اختصاص داده است.

او در تقسیم‌بندی شهرهای ولایت کرمان می‌نویسد: «... و شهرهایی که در آفاق شهرتی دارند اول سیرجان است و جیرفت و بم و هرمز». او همچنین در طبقه‌بندی کرمان از نظر آب و هوایی می‌نویسد: «... از طرف مشرق جیرفت و بم دو شهر سردسیر این ناحیه‌اند.» (اصطخری - ۱۳۷۳، ص ۱۶۱-۱۶۶).

مؤلف در پایان کتاب خویش نقشه‌هایی از موقعیت شهرهای مختلف هر ناحیه ارائه داده است. نمونه‌ای از نقشه ولایت کرمان که توسط او تهیه گردیده را در پایان این بخش ملاحظه خواهید نمود.

«تقویم البلدان» کتاب جغرافیایی دیگری است که در ۷۲۱ هجری توسط «ابوالفداء» نوشته شده است. او در این کتاب سرزمینهای اسلامی را به اقلیم‌های هفده‌گانه تقسیم و کرمان را یازدهمین اقلیم از اقلیم‌های این سرزمین دانسته است. او که با تنظیم جدولهایی برای هر شهر تلاش نموده تا اطلاعات مربوط به طول و عرض جغرافیایی و سایر مشخصات آن شهر را به شیوه‌ای علمی ثبت نماید، شهر بم را از شهرهای اقلیم یازدهم اقلیم عرفی دانسته. به علاوه آن را در اقلیم سوم از اقلیم حقیقی جای داده و طول و عرض جغرافیایی آن را با استفاده از حروف ابجد چنین معلوم می‌دارد:

عرض		طول		مآخذ	نام بلد
دقیقه	درجه	دقیقه	درجه		
ل	کح	ح	فد	اطوال	بم
-	لب	ل	فج	قانون	

همزمان با جغرافیدان فوق‌الذکر «عبدالحق بغدادی» (تاریخ مرگ ۷۳۹ ه) کتابی با نام «مراصدالاطلاع» تألیف نموده که به صورت دایرةالمعارفی از شهرهای مشهور و

مقبره‌های معتبر سرزمینهای اسلامی تنظیم گشته است. در این کتاب در مقابل نام بم می‌خوانیم: «...بم شهر زیبایی است از شهرهای بزرگ کرمان و مردمانی هوشیار دارد که اکثر آنها بافنده‌اند. فاصله بم تا جیرفت یک مرحله است». (بغدادی ۱۳۳۹م، ص ۲۲۲).

سپس، «حمدالله مستوفی» جغرافیدان ایرانی (۷۴۰ هـ)، در کتاب خود، نزهة القلوب پس از توضیح مختصری در مورد تاریخ بم و دلیل انتخاب این نام برای آن شهر و تعریف از وضعیت قلعه آن می‌نویسد: «... بم از اقلیم سیم است، طولش از جزایر خالدات صب و عرض از خط استوالح ک. قلعه حصین دارد و هوایش از جیرفت خوشتر است و به گرمی مایل است». (مستوفی ۱۳۳۶، ص ۱۴۰)

پاتینجر (Patinger) عضو اداره کمپانی هند شرقی، در سفرنامه‌اش که به سال ۱۸۱۶ م در خصوص اوضاع جغرافیایی و تاریخ سند و بلوچستان چاپ شده، مشاهدات خود را از شهر بم به صورت مفصل نوشته و به توصیف قلعه بم و بخش‌های درونی آن می‌پردازد و در بخشی از مطالب خود در مورد قلعه بم می‌نویسد: «...به قدری آن را مستحکم ساخته‌اند که شاید در تمام ایران یا قلعه‌های ایرانی بی‌نظیر باشد». او در ادامه در خصوص حاکم‌نشین بم می‌افزاید: «... پس از آنکه دو یا سه حیاط تو در تو را پشت سر گذاشتیم به دربار وارد شدیم. ...اطاقی که وارد شدیم مربع شکل و بسیار قشنگ بود و هر طرف آن به ایوانی در بیرون اتصال داشت و کف آن با قالیهای گرانبهای ایرانی فرش شده بود و.... رنگ اطاق کاملاً سفید بود و دیوارها دارای گچ‌بریهای تذهیب شده بودند که در مجموع در چشم بیننده با جلال و عظمت جلوه می‌کرد». (پاتینجر، ۱۳۴۸، ص ۲۲۲-۲۲۵)

بخش قابل توجهی از «جغرافیای کرمان» نوشته وزیر (۱۸۷۶ میلادی) نیز به شهر بم اختصاص یافته است. او پس از توضیح در مورد ویژگیهای طبیعی و امکانات زیستی این شهر به توصیف وضعیت شهر و فضاها و مسکونی آن پرداخته و می‌نویسد: «...در نزدیک شهر یک برج (مرکز دیده‌بانی و خبررسانی شهر و

راهنمایی برای مسافری از فاصله‌های دور) و در اطراف آن حصارى آباد به چشم می‌خورد. بر بالای تپه‌ای سنگی، ساختمانهایی مرتفع و محکم ساخته‌اند که آنجا را ارگ بم می‌گویند. یک طرف ارگ متصل به شهر است و از طرف دیگر به خارج خانه‌های متعدد، انبارها و طویله‌ها و ... اتصال دارد. در بالای ارگ آسیایی بادی است و اسباب آن هم اکنون موجود می‌باشد و هر وقت بخواهند به سبب باد شمال دائم به چرخش درمی‌آید. ... بانی این قلعه به حقیقت معلوم نیست. اینقدر مشخص است که در ابتدای حکومت اردشیر ساسانی «هفتواد» فرمانروای آن خودسری کرد تا فرمانروایی کرمان را به دست گیرد و ...» (وزیری ۱۳۵۲، ص ۹۲-۹۵).

در ۱۲۵۱ هجری، فیروز میرزا فرمانفرمایان که به فرمانروایی کرمان منصوب شده بود، وضعیت کلیه شهرهای حوزه فرمانروایی خود را ثبت نموده و اقداماتی که به دستور او به منظور گسترش شهرها به انجام رسیده، شرح داده است که از آن جمله می‌توان به تعمیر کانالهای آب زیرزمینی و احداث خیابان بزرگ در شهر جدید بم اشاره نمود.

او در خصوص وضعیت شهر بم می‌نویسد: «... شهر که در زیر ارگ واقع است به کلی خراب می‌باشد و یک خانوار هم در آن ساکن نیست. وضع مهندسی ارگ حکومتی بسیار تعجب‌آور است. شهر در زیر قلعه حکومتی واقع شده و دیوار محافظ آن بسیار قطور است به صورتی که دو اراده توپ در کنار هم می‌توانند از روی آن جابجا شوند. ... شهر قدیم مخروبه شده و در حال حاضر بی‌فایده و بی‌استفاده است. اگر بخواهیم آن را مسطح و به باغ تبدیل کنیم، مخارج دارد. اما به جهت آنکه خیلی خوب با آبی - که از بیرون می‌آید - آبیاری می‌گردد، بسیار آباد و با صفا و با فایده می‌شود.»

خوشبختانه او نه تنها طرح تسطیح خانه‌های شهر قدیم بم و تبدیل آن به باغ را به اجرا در نیاورد، بلکه دستور به آغاز تعمیرات در قلعه حکومتی شهر قدیم داده و در این خصوص می‌نویسد: «... اگر ارگ و تالار و طویله آن را برای مرکز فرمانروایی

نظامی این منطقه آباد نگهدارند، به صرفه دولت است. ارگ خرابی کلی داشت. در تعمیرات آن کوشیده و اکنون هم بنا و کارگران مشغول فعالیت می‌باشند.» (فرمانفرما، سفرنامه کرمان و بلوچستان، ص ۹-۶)

«محمدحسن خان» نیز یکی از وابستگان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود که پس از بازدید از مناطق مختلف ایران، کتابی در خصوص جغرافیای طبیعی و انسانی ایران نوشته است. بخشی از نوشته او در مورد شهر بم چنین است: «... در میان جلگه بم تپه سنگی عظیم است که ارگ بم در بالای آن کوه ساخته شده است. در وسط سنگ در سرکوه چاهی حفر کرده که چهل گز طناب می‌خورد و آب شیرین و گوارا دارد. چاه ارگ دوم که پایین تر است، سی ذرع طناب می‌خورد و سومی که در پایین می‌باشد، چاهی است که بیست و هفت ذرع ریمان می‌خورد و با دلوهایی - که چهل و پنج من به وزن تبریز آنگیر آن است - اگر روزی هزار دلواز چاههای مزبور آب بکشند، کسر و نقصان در آنها پیدا نمی‌شود. دور شهر بم حصار محکمی از چینه با برجهای متعدد ساخته شده و خندق پهن و عمیقی هم بر دور دیوار از بیرون قرار دارد که دسترسی به دیوار را دشوار می‌سازد. دروازه بم، منحصر به یک دروازه است. پهنای دیوار قلعه بم، از میان چهارده ذرع و روی مردروی آن الحال ده ذرع پهن دارد. دیوار چنان گلی دارد که با کلنگ نمی‌توان یک صبح تا شام با هر قدرت یک ذرع آن را خراب کرد. (محمدحسن خان ۱۳۴۲، ص ۷-۸)

در اوایل قرن بیستم «بارتولد» خاورشناس روسی در خصوص شهر بم می‌نویسد: «...بم مرکز صنعتی کرمان بود و پارچه‌هایی که در بم می‌بافته‌اند به تمام عالم اسلامی تا مصر می‌رفت. این پارچه‌ها، دارای دوام فوق‌العاده بودند و لباسی که از آنها دوخته می‌شد، از پنج تا ده سال دوام داشت. در گذشته بافت شال‌های کرمان - که تا به امروز معروف است - در بم تمرکز یافته بود.» (بارتولد، ۱۳۵۲، ص ۸۴)

به سال ۱۳۱۱ هجری (۱۹۳۲ م)، تعدادی از محققین ایرانی در پروژه‌ای تحقیقی که با نظر وزارت فرهنگ و هنر به اجرا درآمد، کلیه اطلاعات جغرافیایی شهرهای ایران

را در مجموعه کتابهایی با عنوان «جغرافیای مفصل ایران» جمع‌آوری نمودند. در جلد دوم این مجموعه، اطلاعات ارزشمندی از شهر بم درج گردیده که در بخشی از آن می‌خوانیم: «... بم بواسطه آنکه در سر راههای تجارتنی قرار گرفته، اهمیت خاصی داشته و از نظر نظامی نیز همیشه مهم بوده است. دارای مساجد قدیمی مهم است و صنعت نساجی پنبه‌ای آن مشهور و پارچه‌های آن به تمام نقاط اطراف و حتی به مصر می‌رفته است. ... ارگی که سابقاً در پای آن شهر ساخته شده بود، فعلاً در ۴۰۰ متری شرق بم است و قلعه‌ای دارد به شکل مستطیل که خندقی آن را احاطه نموده است.» (کیهان - مسعود، ۱۳۱۱، ص ۲۵۰-۲۴۹).

«آنتونی اسمیت» (Anthony smith) که به سال ۱۹۵۱ م برای مدتی در استان کرمان به تحقیقات اشتغال داشت، شرح مشاهدات خود از شهر بم را در کتابی آورده است. در بخشی از آن می‌خوانیم: «...بم آخرین شهر بزرگ ایران قبل از بلوچستان می‌باشد و به نوبه خود شهری است جالب و دیدنی. ... شهر - که در جلگه‌ای قرار دارد - بیش از هر شهر دیگر ایران به نظر مخروبه می‌رسد. برج و باروی بلند و مستحکمی که قسمتی از آن ویران شده بود، شهر را چون حلقه‌ای در میان داشت.»

چهره عمومی و وضع اقتصادی شهر نیز از دید اسمیت پنهان نمانده است. او در این زمینه می‌نویسد: «... بم شهری بود واقعاً فقیر، فاصله زیاد باغها و فقدان ساختمانهای جدید، همگی بیان‌کننده گردش ناچیز سرمایه در شهر بود ... مغازه‌ها (در بازار شهر) خالی بودند و چیز قابل توجهی برای فروش نداشتند. ... نزدیکی برج و باروی اطراف شهر، خرابه‌های تعداد زیادی ساختمان قدیمی و یخچالهای شهر که تا عمق زیادی پایین می‌رفتند، به چشم می‌خورد. داخل این یخچالها یخ و برفی - که زمستان از کوههای اطراف آورده می‌شود - ذخیره شده و در تابستان به فروش می‌رسد.» (آنتونی اسمیت، ۱۳۶۹، ۱۱۶-۱۲۰)

یکی از آخرین گزارشات رسمی که از وضعیت جغرافیایی بم در دست است،

مطالبی است که توسط یکی از ماموران فرهنگ و هنر ایران به کرمان نوشته شده است. او شهر بم را آباد و حاصلخیز یافته، لیکن مجموعه شهر قدیم را خرابه‌ای توصیف نموده و در بیان تاریخچه شهر بم، به درج مطالب گفته شده توسط مردمان عادی این شهر اکتفا کرده است. (مهدوی - ۱۳۴۲، ۱۷۲-۱۷۹)

پروفسور هاینس گوبه نیز یکی دیگر از آخرین افرادی است که در حد فاصل سالهای ۱۹۷۲ الی ۱۹۷۸ به مطالعه علمی و تحقیقات میدانی در ناحیه جنوب شرقی ایران و همچنین شهر بم پرداخته و حاصل مطالعات خود را در مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است. با مطالعه یکی از مقالات ایشان - که به همت استاد محترم جناب آقای دکتر کیانی در کتاب "نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی ایران" به چاپ رسیده است - در می‌یابیم که او با آگاهی از پیشینه تاریخی، اوضاع جغرافیایی و سایر عوامل موثر در شکل‌یابی شهر قدیم بم، آن را در دو بخش "شهر کهنه" و "شهر جدید" مورد بررسی قرار داده است.

گوبه همچنین تلاش نموده است تا بر پایه مشاهدات خویش از بقایای شهر قدیم و تطبیق آن با اطلاعات تاریخی، طرحی از چگونگی گسترش شهر در سده‌های میانی تهیه نماید (نقشه پیوست). از نظر گوبه بم در قرون وسطی به بخشهای ذیل تقسیم می‌شده است: ۱- شهر کوچک محصور در دیوار داخلی با بازارها و مسجد جمعه. ۲- محله‌های غیر محصور با ساختمانهای فشرده و درهم که بازارها و مساجد اطراف آن را فرا گرفته است. ۳- کشتزارهای واحه‌ای که تک خانه‌هایی به صورت پراکنده در آن وجود داشته است. (گوبه - ۱۳۶۵، ۳۰۶)

نتیجه:

با بررسی مطالب نقل شده از منابع مورد اشاره در این بخش، نتایج ذیل قابل حصول می‌باشند:

۱- شهر بم در تقسیمات نواحی کشوری پیوسته بخشی از ولایت کرمان به شمار

می آمده است.

۲- تمامی جغرافی نویسان و سیاحانی که از نیمه اول قرن ۳ لغایت پایان قرن ۱۳ هجری به توصیف این شهر پرداخته‌اند، آن را از شهرهای آباد و بزرگ ناحیه کرمان معرفی نموده‌اند و قلعه مستحکم و غیر قابل نفوذ آن را نیز وصف نموده‌اند.

۳- اهمیت تجاری شهر بم در شاخه جنوبی جاده ابریشم و مسیر تجاری ایران به پاکستان نیز از نظر جغرافیدانان و سیاحان مخفی نمانده است.

۴- در منابع مربوط به قرون سوم تا هشتم هجری از بافندگی به عنوان اصلی ترین اشتغال ساکنان بم نام برده شده است به گونه‌ای که پارچه‌های بادوام و زیبای این شهر به مناطق هند و چین (در شرق) و مصر و افریقا (در غرب) صادر می‌گشت.

۵- شهر بم در فاصله قرون سوم تا هفتم هجری دارای بخشهای حاکم نشین، (قلعه حکومتی)، بخش‌های مرکزی و حومه با دیوارهای دفاع جداگانه بوده و در هر یک از بخشهای مذکور بازارهای مستقلی وجود داشته است. به علاوه در دیوار دفاعی حومه شهر (شهر بست اول) و در چهار جهت اصلی آن، چهار دروازه اصلی تعبیه گردیده بود.

محلله‌هایی از شهر که در مدت مذکور مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفته عبارتند از:
۱- محلله حکومتی ۲- قلعه مرکزی (محلله مردم نشین قلعه) ۳- محلله بالا قلعه
۴- محلله بزازان ۵- محلله بازار ۶- محلله کوچه بید.

۶- تا قبل از اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران عصر صفوی، اکثریت ساکنان این شهر دارای مذهب تسنن (از شاخه شافعی) بوده‌اند و جماعت زرتشتیان بم که پس از سقوط ساسانیان در این شهر باقی مانده بودند، نیز اقلیت مذهبی شهر را تشکیل می‌داده‌اند. به علاوه خوارج گریخته از جنگ نهروان نیز تا قبل از انقراضشان بوسیله یعقوب لیث صفاری، در محلله جداگانه‌ای از شهر اقامت داشتند.

با شرح فوق، دو نوع نظام اجتماعی برای ساکنان شهر بم می‌توان متصور دانست:

نوع اول، نظام طبقاتی است. این نظام، از فرم طبقات اجتماعی عصر ساسانیان تبعیت می‌نموده. نظام مذکور را در طبقه‌بندی محله‌های مختلف شهر بم می‌توان جستجو نمود. به گونه‌ای که، بخش حاکم‌نشین با ارتفاعی مشرف بر سایر بخشها و فضاهای زیستی گسترده و امکانات زیستی مناسبش پیوسته در اختیار حکام قرار داشته است و قلعه مرکزی یا بخش مردم‌نشین نیز با امکانات زیستی و معیشتی متوسط به مکان اقامت تجار و کسبه و صاحبان صنایع اختصاص داشته است. این در حالیست که کشاورزان و باغداران که در پوسته بیرونی شهر به فعالیت می‌پرداخته‌اند، تقریباً از تمام امکانات رفاهی شهر بی‌بهره بوده‌اند.

نوع دوم، نظام مذهبی است. به این معنا که هر گروه از دارندگان مذاهب مختلف مانند مسلمانان اهل سنت، خوارج، عرفا و زرتشتیان در محله‌ای جداگانه اقامت داشته‌اند.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن محمد بن محمد، اللباب فی تہذیب الانساب، جزء اول، چاپ مکتبۃ القدسی، قاهره، ۱۳۵۷، ص ۱۴۴-۱۴۵.
- ۲- ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، ص ۷۲-۸۰.
- ۳- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، المسالك والممالک، با مقدمه و حواشی دکتر محمد مخزوم، بیروت، ۱۴۰۸، ص ۵۲ و ۵۳.
- ۴- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفسیه، ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره‌چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران - ۱۳۶۵، ص ۱۲۲.
- ۵- ابن فقیه - ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، البلدان، ترجمه ح - مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹، ص ۲۰.
- ۶- ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۸۴.
- ۷- اسطخری - ابن اسحق ابراهیم بن محمد الفارسی، المسالك والممالک، با تحقیق الدكتور

- محمد جابر عبدالعال، چاپ وزارت ارشاد و القومیه، الجمهوریه العربیه المتحدّه، ۱۳۸۱ ه. ق. ص ۱۰۶-۱۰۱.
- ۸- اسمیت - آنتونی، ماهی سفید کور در ایران (سفرنامه آنتونی اسمیت)، ترجمه محمود نبی‌زاده، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶-۱۲۰.
- ۹- اصطخری - ابواسحق ابراهیم، ممالک و مسالک، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱-۱۶۶.
- ۱۰- الحموی - یاقوت، معجم البلدان، تصحیح به وسیله دارالبیروت، بیروت - ۱۹۸۸، ص ۴۹۵.
- ۱۱- ایمانی - سیروس، گذری بر بم در سفرنامه‌ها، در مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۳۴.
- ۱۲- بارتولد - و. تذکره جغرافیای ایران، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات توس تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۳- بغدادی - عبدالحق (۷۳۹ هجری)، مرصداالاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، تحقیق علی محمد العجاوی، جزء اول، داراحیاء الکتب العربیه، زیر حرف الباء والمیم، ص ۲۲۲.
- ۱۴- پاتینجر - ستوان هنری، مسافرت سند و بلوچستان، ترجمه دکتر شاهپور گودرزی‌نژاد، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۲۰-۲۲۵.
- ۱۵- جیهانی - ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه فیروز منصوری، شرکت به نشر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۲۹-۱۳۲.
- ۱۶- صنیع الدوله - محمدحسن خان، مرآت البلدان، جلد اول، به کوشش پرتو نوری اعلا - محمدعلی سپانلو، تهران، ۱۳۴۶، ص ۳۵۰-۳۵۳.
- ۱۷- فرمانفرما - فیروز میرزا، سفرنامه کرمان و بلوچستان، با تصحیح خانم دکتر منصوره نظام مافی، چاپ کتابهای ایرانی، تهران، ۱۳۴۲، ص ۷-۸.
- ۱۸- کرمانی - افضل‌الدین ابوحامدبن حامد، عقدالعلی للموقف الاعلی، به تصحیح علی محمد عامری نائینی، مطبعه مجلس، تهران، ۱۳۱۱، ص ۶۴-۷۱.
- ۱۹- کیهان - مسعود، جغرافیای مفصل ایران، مطبعه مجلس، تهران، ۱۳۱۱، ص ۲۴۹-۲۵۱.
- ۲۰- لسترنج، سرزمینهای خلافت شرقی، انتشارات دانشگاه کمبریج، کمبریج، ۱۹۰۵، ص ۳۱۲-۳۳۱.
- ۲۱- مستوفی - حمدالله، نزهت القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، انتشارات چاپخانه

- ارمغان، تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۴۰-۱۴۱.
- ۲۲- مقدسی - ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، دکتر علی نقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ص ۶۸۰-۶۹۹.
- ۲۳- محلاتی - محمد مهدی، جغرافیای شهر بم، جلد اول، تهران، ۱۳۶۷.
- ۲۴- مهدوی - معزالدین، آخرین ماموریت، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۷۲-۱۷۹.
- ۲۵- نامعلوم، حدود العالم من المشرق الی المغرب، با تصحیح دکتر منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱، ص ۲۸-۳۱.
- ۲۶- وزیری - احمد علی خان، جغرافیای کرمان، با تصحیح دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۹۲-۹۵.
- ۲۷- نهجیری - عبدالحسین، جغرافیای تاریخی شهرها، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۸- یعقوبی - ابن واضح، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۳، ص ۶۲.

Archive of SID